



MfJ

Medical Fiqh Journal

2024; 16(46): e6



Childbearing Contracts from the Contemporary Imamiya Jurists' Perspective

Seyed Mohsen Mortazavi^{1*}, Hakimeh Salami²

1. level 4 seminary, Qom seminary, Qom, Iran.

2. 4th level student of seminary, Qom seminary, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today one of the problems and concerns is the couples' infertility, which always affects families and society. In this article, we have studied the legitimacy and feasibility of "childbearing contracts". Contracting childbearing in a special sense is the establishment of a human production bank for infertile couples to produce and raise children by concluding contracts. It is very necessary to deal with this issue in order to regulate and strengthen family relationships and to protect the parties' rights and obligations and its effect on maintaining the general order of the society.

Materials and Methods: This analytical-descriptive research aims to explain the differences in the contemporary Imamiya jurists' views in response to the question of what are the jurisprudential bases of contemporary Imamiya jurists on the legitimacy of contracting childbearing by referring to library sources.

Findings: Some jurists consider it permissible and correct to enter into childbearing contracts based on the requirement of artificial insemination and having a legitimate rational benefit, and others believe that such contracts are invalid due to the impermissibility and sanctity of all types of artificial insemination. However, assuming the formation and freezing of a laboratory embryo to transfer it to the applicant's uterus or surrogate uterus, the treatment centers and owners of sperm and eggs will be entitled to receive compensation as part of the treatment process.

Conclusion: The results indicate that childbearing contracts do not conflict with the requirements of the marriage contract, and such as sperm and ovum purchase and sale contracts and womb leases, are valid and enforceable according to the well-known basis of Imamiya jurists. However, the contract for the purchase and sale of laboratory embryos is invalid due to the lack of ownership.

Keywords: Contract, Childbearing, Imamiya, Contemporary Jurists

Corresponding Author: Seyed Mohsen Mortazavi; **Email:** Mohazerat@yahoo.com

Received: February 29, 2024; **Accepted:** August 17, 2024; **Published Online:** September 23, 2024

Please cite this article as:

Mortazavi S M., Salami H. Childbearing Contracts from the Contemporary Imamiya Jurists' Perspective. *Med Fiqh Journal*. 2024; 16(46): e6.



مجله فقه پزشکی

دوره شانزدهم، شماره چهل و شش، ۱۴۰۳



قراردادپذیری فرزندآوری از منظر فقهای معاصر امامیه

سیدمحسن مرتضوی^{۱*}، حکیمه سلامی^۲

۱. سطح ۴ حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

۲. سطح ۴ حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مشکلات و دغدغه‌های موجب نگرانی در عصر حاضر، بحث ناباروری زوجین می‌باشد که همواره خانواده‌ها و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله به بررسی مشروعیت و قابلیت «قراردادهای فرزندآوری» پرداخته‌ایم. قراردادپذیری فرزندآوری به معنای خاص، عبارت است از: تشکیل بانک تولید انسان برای زوج‌های نابارور متقاضی تولید و پرورش فرزند، به وسیله انعقاد قراردادها؛ پرداختن به این موضوع به جهت تنظیم و استحکام روابط خانوادگی و حفظ حقوق و تعهدات طرفین و تأثیر آن در حفظ نظم عمومی جامعه، بسیار ضروری است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش براساس روش تحلیلی - توصیفی، و مراجعه کتابخانه‌ای، به بیان تفاوت دیدگاه فقهای معاصر امامیه در زمینه پاسخ به این سوال که مبانی فقهی فقهای معاصر امامیه درباره مشروعیت قراردادپذیری فرزندآوری چیست، می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که قراردادهای فرزندآوری، منافاتی با مقتضای عقد نکاح نداشته و قراردادهای فرزندآوری، همچون قرارداد خرید و فروش اسپرم، تخمک و قرارداد اجاره رحم، طبق مبنای مشهور فقهای امامیه صحیح و نافذ است، ولی قرارداد خرید و فروش جنین آزمایشگاهی به دلیل عدم مالیت و ملکیت، باطل می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرارداد، فرزندآوری، امامیه، فقهای معاصر

نویسنده مسئول: سیدمحسن مرتضوی؛ پست الکترونیک: Mohazerat@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mortazavi S M., Salami H. Childbearing Contracts from the Contemporary Imamiya Jurists' Perspective. Med Fiqh Journal. 2024; 16(46): e6.

مقدمه

امروزه روش‌های نوین باروری‌های پزشکی جهت درمان ناباروری زوجین، با هدف تولید مثل و تکثیر نسل و حفظ بنیان خانواده، بسیار پیشرفته و توسعه یافته است؛ در این میان چالش‌ها و ابهام‌های فقهی‌ای وجود دارد که پاسخ‌گویی به آنها توسط فقه‌های معاصر، امری لازم و ضروری است.

قراردادپذیری فرزندآوری^۱ معروف به قرارداد نیایش، به معنای توافقی است که بین دو یا چند نفر، برای تولید فرزند از طریق یکی از اقسام و صور تلقیح مصنوعی بسته می‌شود. در این قرارداد، طرفین ممکن است توافق کنند که یکی از آنها به‌عنوان پدر یا مادر بیولوژیکی فرزند باشد و دیگری به‌عنوان والد غیر بیولوژیکی (والد قانونی) یا هر دو طرف می‌توانند به‌عنوان والدین بیولوژیکی یا والدین غیر بیولوژیکی (والدین قانونی) شناخته شوند. قراردادپذیری فرزندآوری می‌تواند به‌صورت رسمی یا غیررسمی باشد و ممکن است به وسیله قرارداد نوشتاری یا شفاهی صورت بگیرد. انعقاد قراردادهای فرزندآوری، معمولاً در مواردی کارایی دارد که، زوج‌ها به دنبال راهی برای داشتن فرزند هستند، ولی به دلایلی نمی‌توانند به‌طور طبیعی فرزند به‌دنیا بیاورند؛ به همین دلیل متقاضی فرزندآوری از طریق بهره‌گیری از یکی از اقسام و صور تلقیح مصنوعی هستند.

به همین مناسبت، در مقاله پیش رو پس از بیان مفهوم فرزندآوری و ماهیت قراردادپذیری فرزندآوری، به بحث قراردادهای مقدماتی و اصلی فرزندآوری پرداخته شده است و این نتیجه حاصل گردیده که فرزندآوری بر مقتضای اطلاق عقد نکاح بوده، و لذا قراردادهای فرزندآوری براساس اطلاقات و عمومات صحت معاملات و عقود، مشروع بوده و نافذ است و فرزندآوری به‌عنوان یک حق برای طرفین قابل اجراست؛ و به لحاظ آثار وضعی، طفل حاصل به متقاضیان فرزند منتسب می‌شود و آنها به‌عنوان والدین قانونی فرزند حاصل، مطابق با ماده ۳ قانون (نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور)، ملزم هستند همه وظایف و تکالیف والدین طبیعی را نسبت به او رعایت کنند.

1. Surrogacy Agreement

«قراردادپذیری فرزندآوری»، از جمله مسائل مستحدثه دانش بشری در زمینه باروری‌های نوین پزشکی می‌باشد که به صورت ضمنی در ضمن مباحث مربوط به باروری‌های پزشکی در کتب فقهی مربوط به مسائل مستحدثه، از آن بحث شده است؛ اما به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است. برخی از منابعی که به‌طور ضمنی و غیرمستقیم، موضوع «قراردادپذیری فرزندآوری» را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند، عبارتند از:

۱. کتاب «باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق»؛ تألیف محمدرضا رضانیا معلم، سال ۱۳۸۶. مؤلف به‌طور ضمنی به موضوع «قراردادپذیری فرزندآوری» در بخش دوم، ذیل مبحث «قراردادهای بچه‌سازی» و در بخش سوم، ذیل مبحث «نسب و آثار ناشی از باروری‌های پزشکی»، پرداخته است.
 ۲. کتاب «قرارداد انجماد جنین و گامت»؛ تألیف: سیدمحمد اسدی‌نژاد و نازیلا تقوی. مؤلفان به بررسی فقهی، حقوقی و اخلاقی قرارداد انجماد جنین و گامت در حقوق ایران با نگاهی به حقوق برخی از کشورهای دیگر پرداخته‌اند.
 ۳. کتاب «جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از منظر فقیهان امامیه»؛ تألیف: انیسه نوراحمدی، علی تولایی، صدیقه مهدوی کنی. مؤلفان در بند چهارم فصل سوم، به بررسی ماهیت قرارداد جنین آزمایشگاهی بدون صاحب پرداخته‌اند.
 ۴. مقاله اعتبار و ضمانت اجرای قراردادهای اجاره رحم در حقوق ایران، نویسنده مهیار قلی‌زاده در مجله مطالعات حقوق، ۱۴۰۱، شماره ۳۱.
 ۵. مقاله بررسی و واکاوی اهدای جنین، تخمک و رحم اجاره‌ای از منظر فقه و حقوق، نویسنده زهره کاشفی در مجله علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، ۱۴۰۰، دوره ۵ شماره ۱.
 ۶. شرایط اساسی صحت قرارداد مادر جانشین در فقه امامیه و حقوق موضوعه، نویسنده عباس یداللهی باغلویی در مجله فقه پزشکی، ۱۳۹۱-۱۳۹۰، دوره ۴ شماره ۹.
- وجه امتیاز مقاله حاضر این است که فقط به مبحث قراردادها اشاره شده و سعی شده مباحث به صورت تطبیقی و استدلالی با استناد به مبانی فقهی فقه‌های معاصر مطرح شود.

مواد و روش‌ها

این پژوهش براساس روش تحلیلی - توصیفی، و مراجعه کتابخانه‌ای، به بیان تفاوت دیدگاه فقه‌های معاصر امامیه در زمینه پاسخ به این سؤال که مبانی فقهی فقه‌های معاصر امامیه درباره مشروعیت قراردادپذیری فرزندآوری چیست، می‌پردازد.

یافته‌ها و نتیجه بحث

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که قراردادهای فرزندآوری، منافاتی با مقتضای عقد نکاح نداشته و قراردادهای فرزندآوری، همچون قرارداد خرید و فروش اسپرم، تخمک و قرارداد اجاره رحم، طبق مبنای مشهور فقه‌های امامیه صحیح و نافذ است، ولی قرارداد خرید و فروش جنین آزمایشگاهی به دلیل عدم مالیت و ملکیت، باطل می‌باشد.

در ادامه مباحث به بیان مفاهیم کلی مطرح شده در مقاله جهت تبیین بیشتر مباحث پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم و ماهیت‌شناسی

«قراردادپذیری فرزندآوری» به معنای عام، شامل کلیه قراردادهای منعقد شده برای تولد نوزاد از طریق تشکیل، انجماد و انتقال جنین آزمایشگاهی دیگران که حاصل از تلقیح سلول‌های جنسی و سلول‌های غیرجنسی است، می‌باشد. و به معنای خاص، به تشکیل بانک تولید انسان برای متقاضیان تولید فرزند، از طریق ذخیره‌سازی اسپرم اهدایی (بانک اسپرم)، تخمک اهدایی (بانک تخمک) و جنین‌های آزمایشگاهی منجمد شده تشکیل شده از سلول‌های جنسی و غیرجنسی، جهت انتقال به رحم زوجه یا بیگانه به وسیله انعقاد قراردادهای معین (اجاره، صلح، وکالت، هبه، ودیعه، عاریه، مزارعه، جعاله و مقاطعه‌کاری) و غیرمعین (۶۵، ۷۱) اطلاق می‌شود.

۱-۱. مفهوم فرزندآوری: در لغت، به ولد و نسل انسان، اعم از اینکه پسر باشد یا دختر، «فرزند» می‌گویند (۱۴) واژه «فرزندآوری» معادل واژه «تولید نسل» و «تولید مثل» و در لغت به معنای نظیر خود را پدید آوردن، فرزند آوردن (۴۴) و

زاد و ولد کردن (۱۴) می‌باشد. در کلام فقها (۴۸، ۷۶) و کتب فقهی، برای بیان مفهوم «فرزندآوری»، از واژه «استیلاد» به معنای استعداد باردار کردن و باردار شدن (۲۲)، زن را آبستن کردن (۴۲) و طلب الولد (۱۸، ۸۱) استفاده شده است.

به لحاظ فقهی، در شریعت اسلام، اصل «تولید مثل» فی‌نفسه امر مطلوبی است. آیات شریفه قرآن کریم، کثرت اولاد و فرزندان را از نعم خداوند تبارک و تعالی می‌شمارد. «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (۱)؛ «تا باران آسمان بر شما فراوان نازل کند و شما را به اموال و فرزندان، یاری کند، و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد».

علاوه بر آیات، از روایات معتبره نیز استفاده می‌شود که «فرزندآوری» به‌عنوان یک امر مستحب و مطلوب دین، مورد تأکید شارع مقدس است (۴۰).

مقصود از «فرزندآوری» در تحقیق حاضر «ایجاد فرزند» است که امروزه در سطح جهانی، فارغ از جواز و عدم جواز آن به چهار صورت در خارج محقق می‌شود:

۱. تلقیح مصنوعی؛

۲. همزاد سازی؛

۳. شبیه‌سازی (استفاده از سلول سوماتیک)؛

۴. تولید نسل (از طریق سلول‌های بنیادین جنین).

۲-۱. مفهوم قراردادپذیری فرزندآوری: استفاده از روش‌های کمک باروری پزشکی برای متقاضیان فرزند، اعم از اینکه بارور باشند یا نابارور، مبتنی بر انعقاد قراردادهای معین و غیرمعین (خصوصی) است؛ که باید به لحاظ ماهیت، مشروعیت، آثار و مسائل حقوقی مترتب بر آنها در تمام ابعاد مشخص، معین و روشن گردد (۶۵). قراردادهای فرزندآوری، به لحاظ مفهومی دو کاربرد عام و خاص دارند:

الف) کاربرد عام: کلیه قراردادهای منعقد شده تولید نوزاد برای متقاضیان فرزند از طریق تشکیل، انجماد و انتقال جنین آزمایشگاهی دیگران که به‌دست آمده از تلقیح داخل رحمی و خارج رحمی سلول‌های جنسی و سلول‌های غیر جنسی

نسبت فرزندآوری با عقد نکاح اقبال و مبانی بین فقها وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود:

۱-۲. فرزندآوری مقتضای ذات عقد نکاح: مقتضای ذات

عقد عبارت است از: هر امری که وجود آن برای وجود و صحت عقد لازم است و بر مبنای ایجاد آن عقد منعقد می‌شود؛ و بدون تحقق آن امر، ماهیت و اثر عقد منتفی و ابطال می‌شود (۳۵، ۵۲، ۵۶). بنابراین، با توجه به اینکه مقتضای ذات عقد نکاح، یعنی اثر عمده و اساسی و بدون واسطه آن، زوجیت (۷۰، ۷۳) و استمتاع (۶، ۳۶) است؛ اگر فرزندآوری (به‌طور مطلق اعم از طریق طبیعی یا طرق لقاح مصنوعی) و تولید نسل را از اهم آثار با واسطه مقتضای ذات عقد نکاح بدانیم، همان‌طور که از کلام شهیدثانی و محقق بحرانی به دست می‌آید. در این صورت انجام این امر از سوی طرفین لازم خواهد بود، و هر شرطی برخلاف آن - چه به صورت شرط بنایی باشد و چه در ضمن عقد یا مستقل از عقد باشد - باطل و مبطل عقد نکاح است؛ زیرا علاوه بر اینکه مدلول و مقصود از انشای عقد تحقق نیافته است، لازمه این شرط، منتفی شدن قصد انشای عقد است (۴۵، ۷۵)؛ اما می‌توان گفت که اکثر فقهای امامیه، فرزندآوری را جزء مقتضای ذات عقد نکاح ذکر نکرده‌اند (۲۵، ۴۵، ۴۷، ۵۶، ۷۰)؛ و گویا این مسئله بین فقهای امامیه اتفاقی است که فرزندآوری جزء مقتضای ذات عقد نکاح نیست؛ زیرا آیات قرآن کریم همچون آیه ۲۳۰ سوره بقره و آیه ۳۲ سوره نور و آیه ۲۱ روم و روایات، نکاح را مقید به فرزندآوری و الزام به آن، ننموده‌اند (۱۵، ۶۸-۶۹، ۷۳).

۲-۲. فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح: مقتضای

اطلاق عقد عبارت است از: هر امری که شارع مقدس آن را بر عقد مترتب کرده است، از این جهت که عقد می‌باشد؛ اگرچه تحقق آن امر بدون جعل شارع هم ممکن است (۵۶). به عبارت دیگر، مقتضای اطلاق عقد آن چیزی است که، مقتضای اطلاق عقد است. به این معنی که، به خاطر عدم تقیید عقد به اموری مانند وصف، مکان و زمان، عقد به صورت مطلق صلاحیت تقیید (به هر امر شرعی) را دارد و اشتراط برخلاف آن نیز صحیح است (۳۵، ۴۵)؛ زیرا مقتضای اطلاق عقد

(سلول‌های بنیادی جنینی) می‌باشد و به رحم زوجه (ی نابارور متقاضی) یا بیگانه، جهت طی کردن مراحل رشد و نمو انتقال می‌یابد (۶۵).

ب) کاربرد خاص: تشکیل بانک تولید انسان برای متقاضیان تولید فرزند، از طریق ذخیره‌سازی اسپرم اهدایی، تخمک اهدایی و جنین‌های آزمایشگاهی منجمد شده تشکیل شده از سلول‌های جنسی و غیر جنسی، جهت انتقال به رحم زوجه یا بیگانه (رحم جایگزین)، به وسیله انعقاد قراردادهای معین (صلح [معوض و غیر معوض]، هبه [معوضه و غیر معوضه]، جعاله و...) و غیر معین (قرارداد خصوصی).

«قراردادپذیری فرزندآوری» می‌خواهد مباحثی را پیرامون مشروعیت و احکام بستن قرارداد برای ایجاد و تولید فرزند، بین کسانی که متقاضی تولید فرزند [که غالباً زوجین شرعی نابارور] هستند، با پزشک و مرکز درمان ناباروری و آثار مترتب بر آن مطرح کند.

این قراردادها در صورتی اعتبار دارد که با قواعد و اصول شرعی و حقوقی منافات نداشته باشد (۶۵) و قوانین حاکم بر صحت قراردادها در همه اطراف و ابعاد در آن رعایت شده باشد.

۲. اقوال و مبانی فقهی فقه‌های معاصر امامیه در باب

نسبت فرزندآوری با عقد نکاح

جهت تعیین حکم وضعی قراردادهای فرزندآوری، ناگزیر باید در ابتدا جایگاه فرزندآوری طبیعی و مصنوعی را در خانواده، نسبت به مقتضای عقد نکاح بررسی کنیم تا مشخص شود که چنین قراردادهایی برخلاف مقتضای عقد نکاح نیست تا باطل باشد و سپس به بحث قراردادهای فرزندآوری بپردازیم.

واژه «مقتضی» اسم مفعول است، به معنای آنچه مدلول عقد واقع شده است و عقد اقتضای آن را دارد و بر آن دلالت کرده و آن را اراده نموده است، و «مقتضی عقد» یعنی آن چیزی که عقد بر آن دلالت می‌کند و مبتنی بر آن منعقد شده است (۴۳). به عبارت دیگر، «مقتضی عقد» در اصطلاح فقهی عبارت است از: هر آن چیزی که شرع مترتب بر عقد کرده است از احکام و التزاماتی که هدف از آن تحقق مقصود عقد و غرضی است که عقد به خاطر آن تشریح شده است. در رابطه با

ضمن عقد نکاح شرط کرده یا بر مبنای آن، عقد نکاح را منعقد کنند؛ در این صورت فرزندآوری در قلمرو خانواده به یک الزام ضمانت‌آور با پشتوانه قانونی تبدیل می‌شود و قراردادهای فرزندآوری مشروعیت خواهند داشت (۵، ۵۴، ۶۸). بنابراین با توجه به اینکه فرزندآوری طبق هریک از مبانی سه‌گانه امری برخلاف مقتضای عقد نکاح نمی‌باشد؛ لذا قراردادهای فرزندآوری که در بخش سوم به آن اشاره می‌شود، امری مشروع بوده و برخلاف مقتضای عقد نکاح نمی‌باشد.

۴-۲. الزام به فرزندآوری از طرق لقااح مصنوعی: اکنون بحث مهم و قابل توجه، این است که در صورتی که فرزندآوری به صورت طبیعی و متعارف برای زوجین تحقق نیابد، آیا زوج می‌تواند جهت فرزندآوری، زوجه را به استفاده از روش‌های نوین باروری پزشکی و تلقیح مصنوعی مجبور کند؟ و آیا زن می‌تواند از فرزندآوری از طریق مصنوعی امتناع کند؟

به نظر می‌رسد مطابق قول مشهور فقهای امامیه، حق استیلا در نحو متعارف برای مرد است؛ به همین دلیل فقها فتوا نداده‌اند که مرد جهت تحقق امر فرزندآوری، بتواند همسر خود را به استفاده از روش‌های نوین باروری پزشکی و تلقیح مصنوعی الزام نماید. بنابراین در این صورت، حق استیلا برای مرد بر زن ثابت نیست (۵۰، ۸۰)؛ و به دلیل عدم احراز دلیل قطعی و غیر متعارف بودن فرزندآوری مصنوعی، مرد نمی‌تواند باروری مصنوعی را با استفاده از روش‌های اهدای تخمک، اهدای اسپرم، اهدای جنین و اجاره رحم، به‌عنوان یک تکلیف و حق زوج بر زوجه، به همسر خود تحمیل کند، در نتیجه زن حق دارد از انجام باروری‌های پزشکی و انواع لقااح مصنوعی، امتناع بورزد. مگر آنکه فرزندآوری به روش تلقیح مصنوعی را به صورت شرط ضمن عقد ذکر کرده باشد (۵۰) که در این صورت، اصل اصاله الصحه و اصل اصاله اللزوم و همچنین ماده ۱۰ قانون مدنی، آن‌را تایید می‌نماید.

۳. انواع قراردادهای فرزندآوری

به جهت اینکه قراردادهای فرزندآوری صحیح واقع شوند، این قراردادها باید بر پایه ماده ۱۹۰ قانون مدنی درباره شرایط

منظور مستقیم و اصلی متعاقبین نیست و به همین دلیل آنان می‌توانند با درج قید و شرط، اقتضای عقد را تغییر دهند؛ اما کشف مقتضای اطلاق عقود، اگرچه مشکل است، ولی به کمک دلالت التزامی یا ضمنی یا تبعی عقد و با سه ملاک لغت، عرف و شرع، قابل کشف هستند؛ زیرا عقود، امری عرفی هستند. بنابراین، تشخیص موضوع مورد بحث نیز علاوه بر شرع، به نظر عرف نیز بستگی دارد (۷۲). بنابراین، اگر فرزندآوری را (به‌طور مطلق)، جزء مقتضای اطلاق عقد بدانیم، در این صورت، ارتکاز عرفی این است که شرط فرزندآوری، به شکل یک شرط ضمنی صریح، به‌عنوان یک حق برای طرفین در ضمن عقد وجود دارد؛ و در صورتی که هریک از طرفین از انجام وظیفه خود در تحقق امر فرزندآوری استنکاف و خودداری کنند، الزام طرف مستنکف به مشارکت در امر فرزندآوری مشروع و صحیح خواهد بود. همچنین از طرف دیگر در صورتی که هریک از طرفین عدم فرزندآوری را شرط کنند، این شرط صحیح و لازم‌الاتباع است (۱۲، ۴۵، ۶۱، ۶۴)؛ اما فقهای امامیه در مورد اینکه آیا فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح است یا نه، به‌طور صریح و روشن به این مطلب اشاره نفرموده‌اند. ولی با دقت در کلمات فقهای امامیه در بحث عزل و مسائل مربوط به استیلا، چنین استفاده می‌شود که در این زمینه، چهار دیدگاه مطرح است:

۱. فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح است؛ اما این حق اختصاص به زوجه دارد (۴، ۲۹، ۳۷، ۴۸، ۵۱، ۷۳، ۷۴، ۷۹)؛
۲. فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح است؛ اما این حق اختصاص به زوج دارد (۲۰، ۳۸، ۴۹، ۷۷)؛
۳. فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح است؛ اما این حق به‌طور مشترک، به زوجین اختصاص دارد (۹، ۵۵، ۶۰، ۸۴).
۴. فرزندآوری مقتضای اطلاق عقد نکاح نیست (۴۶، ۷۸).

۳-۲. فرزندآوری نه مقتضای ذات عقد نکاح و نه مقتضای اطلاق آن: برخی از فقها بر این نظرند که فرزندآوری نه مقتضای ذات عقد نکاح و نه مقتضای اطلاق آن است، طبیعتاً در این فرض، زوجین می‌توانند فرزندآوری را در

اجنبی برای باروری در قالب قرارداد بیع، اشکالاتی از سوی فقه‌های معاصر مطرح شده است:

اشکال اول: منی و اسپرم از اعیان نجسه است و خرید و فروش آن به دلیل نجاست، حرام و باطل است (۵۰).

در پاسخ به این اشکال چنین می‌توان گفت: مجرد اینکه مبیع از اعیان نجسه باشد، موجب بطلان بیع نمی‌شود و نجاست به خودی خود مانع از صحت بیع نیست (۵۰)؛ زیرا آنچه موجب حرمت اکتساب به اعیان نجسه می‌شود، دو امر است: یکی وجود نداشتن منفعت محلله (۲۳، ۳۵) و دیگری ورود نهی از جانب شارع مقدس است. در مواردی که این دو شرط محقق نباشد یا شرط اول از بین برود، حکم به حرمت اکتساب به این امور مشکل است (۳۵، ۴۱، ۵۴)، به همین دلیل، مجرد نجاست نمی‌تواند دلیل بر منع از بیع باشد (۸)، پس، بر فرضی که عین نجس منفعت محلله مقصوده عقلایی داشته باشد، استفاده از آن جایز است. در بحث خرید و فروش منی و اسپرم هم، مسئله چنین است؛ زیرا در این زمان منفعت محلله عقلاییه در خارج از رحم برای آنها متصور است (۵۴). پس قابل تملک هستند و مالیت عرفی و شرعی دارند؛ به همین خاطر مانند بذری که دارای منفعت است، قابل خرید و فروش می‌باشند (۳۲).

اشکال دوم: اسپرم منفعت محلله عقلاییه ندارد، چون از نظر حکم تکلیفی شخص مسلمان حق استفاده از اسپرم اجنبی برای باروری را ندارد، در نتیجه خرید و فروش آن باطل است.

نسبت به این اشکال می‌توان پاسخ داد که این اشکال، مبنایی است، براساس مبنای فقهایی که قائل به حرمت استفاده از اسپرم اجنبی شده‌اند، خرید و فروش آن صحیح نیست. چون یا حرمت استفاده از اسپرم، در حقیقت شارع مقدس منفعت عقلاییه آن را الغاء کرده است و از این جهت، بیع باطل خواهد بود. ولی بنا بر مبنای قائلین به جواز استفاده از اسپرم اجنبی، همچون مقام معظم رهبری، قرارداد بیع نسبت به اسپرم صحیح خواهد بود. چون منفعت محلله عقلاییه وجود دارد (۳۴)؛ لذا محقق سبزواری در این باره فتوا داده است: خرید و فروش منی، در صورتی که منفعت محلله داشته باشد، جایز است (۵۴).

اساسی صحت معاملات و قانون (نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور)، منعقد گردند. با توجه به شرایط اساسی مذکور در هر دو قانون، حکم وضعی قراردادهای فرزندآوری از دو جنبه مقدماتی و اصلی (قراردادهای درمان ناباروری)، قابل بررسی است که جهت روشن شدن بحث، پس از بیان تعریف مختصری پیرامون هر دو جنبه، به بررسی قراردادهای اصلی فرزندآوری پرداخته می‌شود.

۱-۳. قراردادهای مقدماتی فرزندآوری: قراردادهای مقدماتی فرزندآوری، قراردادهایی هستند که پیش از قراردادهای اصلی درمان ناباروری، برای به دست آوردن و ذخیره کردن گامت و جنین و یا بعد از آنها برای به دست آوردن گامت و جنین، بین پزشک و شخص ثالث (خواه شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی)، منعقد می‌گردد (۶۲). این قبیل قراردادها به دو قراردادهای مستقل و با واسطه تقسیم می‌شوند.

مراد از قراردادهای مستقل فرزندآوری؛ قراردادهایی است که در آن گامت و جنین بدون در نظر گرفتن جنبه تراضی بر انتقال آن به دیگری، در اختیار مراکز تخصصی درمان ناباروری یا بانک ذخیره تخمک، بانک ذخیره اسپرم یا بانک تولید جنین آزمایشگاهی قرار می‌گیرد (۶۲)، ولی در قراردادهای واسطه، به‌طور صریح یا ضمنی با کلینیک یا مرکز درمان ناباروری توافق می‌شود که گامت و جنین را به زوجین نابارور معین یا نامعین انتقال دهند.

۲-۳. قراردادهای اصلی فرزندآوری: مقصود از قراردادهای اصلی فرزندآوری، قراردادهایی است که برای درمان ناباروری، بین زوجین متقاضی و شخص ثالث (فرد حقیقی یا حقوقی) منعقد می‌گردد. خواه باروری از نوع باروری جنسی باشد یا باروری غیر جنسی، در این مقاله به بیان حکم وضعی قراردادهای اصلی فرزندآوری در باروری جنسی پرداخته می‌شود.

۴. بررسی حکم صحت قراردادهای اصلی فرزندآوری

۱-۴. قرارداد خرید و فروش اسپرم: نسبت به قراردادهای خرید و فروش اسپرم به منظور استفاده از اسپرم شخص

همچنین اشکالات دیگری همچون عدم ملکیت و عدم مالیت نسبت به خرید و فروش اسپرم بیان شده که ضعیف و قابل جواب می‌باشد. در نتیجه قرارداد خرید و فروش اسپرم، صحیح و نافذ خواهد بود، البته برخی از فقها به جهت برخی از اشکالات متقدم، فرموده‌اند احتیاط این است که قرارداد را تحت عنوان عقود دیگر، همچون صلح یا هبه معوضه منعقد سازند (۵۰).

۲-۴. قرارداد خرید و فروش تخمک: از این جهت که در این زمان، بر خرید و فروش تخمک، مانند خرید و فروش اسپرم (منی) منفعت محلله مقصوده عقلائیه در خارج از رحم، متصور است، پس مالیت داشته و قابل تملک است. بنابراین، خرید و فروش آن جایز می‌باشد و اشکال نجاست نیز نسبت به آن، وارد نیست؛ زیرا دلیلی بر نجاست آن وجود ندارد (۷۹). در نتیجه با توجه به معیارهایی که در قانون مدنی برای مبیع قرار داده شده، اسپرم و تخمک می‌توانند مبیع قرار بگیرند و دهنده تخمک و اسپرم و گیرنده آنها، از نظر قانون مدنی دارای شرایط معامله هستند و می‌توانند طی یک قرارداد خاص، اسپرم و تخمک را مورد معامله قرار دهند و آثار بیع از نظر قانون مدنی بر این معامله مترتب می‌شود.

ولی اگر کسی قائل به عدم مالکیت تخمک شد تا در نتیجه، شرط صحت قرارداد بیع که ملکیت مبیع باشد، مخدوش شود، در این صورت زن می‌تواند به دلیل داشتن حق انتفاع و اختصاص، در ازای رفع ید از حق اختصاص خود، پول دریافت کند که در حالت حقیقت، این امر به هبه مشروطه بر می‌گردد (۵۰).

۳-۴. قرارداد خرید و فروش جنین: امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، حالات مختلفی برای تحقق جنین آزمایشگاهی متصور است که در هر یک از صور، می‌توان طبق قراردادهای فرزندآوری، آن را به زوجین نابارور انتقال داد.

قراردادهای درمان با استفاده از جنین آزمایشگاهی منجمد شده، عبارتند از:

یک: قراردادهای درمان با استفاده از جنین زن و شوهر

دو: قراردادهای درمان با استفاده از جنین حاصل از گامت شوهر و گامت زن دیگر او (دائم یا موقت)
سه: قراردادهای درمان با استفاده از جنین حاصل از گامت شوهر و زن بیگانه (شناخته‌شده یا ناشناس)
چهار: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده از گامت شوهر و زن بیگانه در نتیجه شبهه
پنج: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده از گامت زوجه و مرد بیگانه در نتیجه شبهه
شش: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده از گامت زوجه و مرد بیگانه (شناخته‌شده یا ناشناس)
هفت: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده از گامت زن و مرد بیگانه (خواه شناخته‌شده یا ناشناس)
هشت: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده از گامت زن و شوهر دیگر (شناخته‌شده یا ناشناس)
نه: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده از گامت نر و ماده ناشناس (اعم از اینکه یکی یا هر دو ناشناس باشد)

ده: قراردادهای درمان با استفاده از جنین تشکیل شده در داخل رحم به صورت قانونی یا غیر قانونی.
می‌توان نسبت به تمام این صور و حالات، این چنین گفت که خرید و فروش «جنین» با خرید و فروش اسپرم و تخمک متفاوت است؛ زیرا «اسپرم» و «تخمک» قبل از لقاح از فرآورده‌های انسان و متعلق به اوست، ولی پس از لقاح، موجودی مستقل و انسانی در مراحل آغازین حیات است و شخصیتی مستقل دارد که واجد حق می‌باشد. اگر در تضاد بیع فرآورده‌های انسانی با کرامت انسانی، تردیدی وجود داشته باشد؛ اما در اینکه بیع «جنین» و مبیع واقع شدن «جنین» با کرامت انسانی تضاد دارد، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. به همین علت، بسیاری از فقها، سقط جنین را حتی در مراحل اولیه جایز نمی‌دانند و حتی برخی از فقها، از بین بردن اسپرم‌های رشد یافته در لوله آزمایش را نیز در حکم سقط جنین دانسته و مشمول دیه می‌دانند (۷۱)؛ زیرا نفس تعیین و

تقدیر دیه برای حالات مختلف جنین و نطفه توسط شارع مقدس، عمده‌ترین دلیل است بر اینکه جنین، مال و حتی شبه مال به حساب نمی‌آید، پس مالیت نداشته و قابلیت تملک ندارد (۵۹). در نتیجه قرارداد خرید و فروش جنین آزمایشگاهی در قالب قرارداد بیع به دلیل عدم مالیت داشتن جنین و عدم ملکیت آن باطل می‌باشد.

۴-۴. قرارداد اجاره رحم: اجاره رحم یا رحم جایگزین نسبت به زوجینی کارایی دارد که دارای اسپرم و تخمک مناسب می‌باشند، ولی رحم زن توانایی نگهداری جنین را ندارد، در این صورت زوجین باید از رحم اجاره‌ای برای تولد فرزند خویش استفاده نمایند. فقه‌های معاصر در رابطه با حکم تکلیفی استفاده از رحم جایگزین، دو دیدگاه متفاوت دارند: برخی همچون جواد تبریزی، فاضل لنکرانی، بهجت و نوری همدانی، قائل به عدم جواز هستند؛ و برخی نیز همچون خامنه‌ای، هاشمی شاهرودی، مکارم شیرازی، بجنوردی، صانعی، موسوی اردبیلی و مؤمن، مشروط به عدم انجام مقدمات حرام قائل به جواز و عدم منع شرعی شده‌اند (۶۶). بدیهی است که این دو مبنا در حکم تکلیفی، تأثیر به‌سزایی در صحت قراردادهای اجاره رحم خواهد داشت.

قرارداد رحم جایگزین، از قبیل قراردادهای نوع دوستانه است که در نظام‌های مختلف حقوقی متفاوت می‌باشد. برخی ماهیت این قراردادها را «اجاره»، برخی «ودیعه» و یا «جعاله» می‌دانند. قرارداد رحم جایگزین، یک قرارداد ویژه و خاصی است که دارای احکام و آثار خاصی می‌باشد که به موجب آن، زن دیگری غیر از صاحب تخمک در برابر طرف قرارداد، برای حاملگی، نگهداری، زایمان و پرورش جنین تا مدت معینی، مجموعه‌ای از فعل‌ها و ترک فعل‌ها را به عهده می‌گیرد و تعهد می‌کند به محض تولد کودک، او را به والدین طرف قرارداد تحویل دهد (۶۶).

امروزه با توجه به قانونی شدن استفاده از رحم جایگزین در جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص در دهه اخیر، قراردادهای رحم اجاره‌ای، شکل قانونی به خود گرفته و رواج پیدا کرده است (۵۰)؛ اما حقیقت امر این است که با توجه به اقسام و

صور مختلف تلقیح مصنوعی و حکم شرعی متفاوت هر یک از آنها، ضروری است که شروط صحت اجاره را نسبت به قرارداد اجاره رحم بررسی نماییم.

به‌طور کلی، فقهاء برای صحت اجاره، شروطی بیان کرده‌اند، همچون:

۱. معلوم و مشخص و محدّد بودن منفعت مورد اجاره
 ۲. اجرت گرفتن در مقابل عمل از لحاظ شرعی الغاء نشده باشد
 ۳. رجوع منفعت عقلانیه از عمل مورد اجاره به شخص اجاره‌کننده
 ۴. اجیر قدرت بر امتثال عمل مورد اجاره داشته باشد
 ۵. عمل مورد اجاره مقدمه حرام نداشته باشد
 ۶. منفعت عمل مورد اجاره حرام نباشد (۱۷).
- نسبت به تطبیق این شروط عامه بر قرارداد اجاره رحم، اشکالاتی مطرح شده که باید از آنها پاسخ داد:

اشکال اول: معلوم و مشخص بودن مدت زمان اجاره در صحت اجاره شرط است؛ این در حالی است که در اجاره رحم زن برای حمل جنین، مدت حمل جنین مبهم و مجهول است و این امر مضرّ به صحت اجاره است.

پاسخ: ادله عامّه صحت و امضای معاملات، معاملات عقلایی را امضاء می‌کند و معاملات غرری را شامل نمی‌شود و این مقدار جهالت در مدت حمل، عرفاً موجب غرری شدن معامله نمی‌شود، علاوه بر اینکه جهالت مدت زمان حمل جنین را می‌توان با بستن اجاره در مدت زمان اکثر مثلاً نه ماه کامل برطرف نمود (۵۰).

اشکال دوم: یکی از شرایط صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره، دارای منفعتی باشد که شارع، اجرت گرفتن و بذل مال در مقابل آن را الغاء نکرده باشد. از نصوص و روایات استفاده می‌شود که امور تابع زوجیت، مثل استیلا و حامله شدن زن هم، از حقوق شوهر و رابطه زوجیت حساب می‌شود که مبنی بر مجانیت است و زن حق دریافت اجرت برای حمل جنین ندارد.

پاسخ: حق استیلا به نحو متعارف و عادی که همان مقاربت و استمتاع است، از حقوق شوهر است، ولی در تلقیح مصنوعی،

تکلیف الزامی که متوجه اوست نباشد و الا اگر انجام دادن عمل مورد اجاره، منافات با تکلیف واجب بر او باشد یا منافات با حق دیگری داشته باشد، اجاره صحیح نیست، و در محل بحث هم اگر زن بخواهد اجیر برای حمل جنین و نطفه منعقد شده دیگری شود، این اجاره منافات با حق استمتاع شوهرش دارد، در نتیجه اجاره از این جهت که منافات با تکلیف و حق واجب بر گردن او دارد، باطل است.

پاسخ: این اشکال وارد است، البته اختصاص به اجاره رحم در زن‌های شوهردار دارد، ولی نسبت به اجاره رحم زن‌های مطلقه یا مجرد وارد نمی‌باشد (۵۰ و ۸۳).

اشکال پنجم: یکی از شرایط صحت اجاره این است که منفعت محلله عقلاییه داشته باشد، منفعت مورد اجاره حرام نباشد، در حالی که از نظر حکم تکلیفی، فقهاء قائل به حرمت استفاده از رحم جایگزین شده‌اند، در نتیجه قرارداد اجاره نسبت به اجاره رحم، باطل و غیر نافذ خواهد بود. چون مصداق اجاره بر عمل حرام می‌شود.

پاسخ: این اشکال مبنایی است و بنابر مبنای غیرمشهور می‌باشد، ولی طبق مبنای مشهور فقهای امامیه، استفاده از رحم جایگزین برای حمل جنین جایز است و معنی ندارد. در نتیجه قرارداد اجاره رحم نیز برای این منظور صحیح و نافذ خواهد بود (۸۳).

نتیجه

۱. قراردادهای فرزندآوری به قراردادهای مقدماتی و قراردادهای اصلی تقسیم می‌شود.
۲. فرزندآوری مقتضای ذات عقد نکاح و یا اطلاق آن می‌باشد، در نتیجه قراردادهای فرزندآوری برخلاف مقتضای عقد نکاح نبوده و از این جهت مشروع و صحیح می‌باشد.
۳. قرارداد خرید و فروش اسپرم، بر طبق ادله عامه عقود صحیح و نافذ می‌باشد.
۴. قرارداد خرید و فروش تخمک بر طبق شرایط ادله عامه عقود صحیح و نافذ است.

استیلا و حمل جنین به نحو غیر متعارف است؛ لذا شوهر نمی‌تواند با استفاده از حق استیلا خود، همسرش را مجبور به عملیات تلقیح مصنوعی کند، در نتیجه زن حق دارد برای حمل جنین از طریق تلقیح مصنوعی، اجرت دریافت کند. علاوه بر اینکه در موضوع بحث، زن اجنبی خواهان گرفتن اجرت برای حمل جنین می‌باشد که طبق ادله عامه، چنین حقی برای او مشروع می‌باشد (۵۰).

اشکال سوم: از شرایط صحت اجاره این است که عمل مورد اجاره باید منفعت عقلایی داشته باشد که به شخص اجاره‌کننده برگردد، و منفعت عقلایی متصور در تلقیح مصنوعی، بچه‌دار شدن شخص و حصول رابطه پدری و مادری با طفل متولد شده است؛ لذا در موردی که در عملیات تلقیح، انتساب به پدر و مادر محقق باشد، منفعت عقلایی حاصل است و اجاره صحیح خواهد بود، ولی در بعضی موارد و طبق برخی مبانی که در تلقیح، انتساب به پدر یا مادر حاصل نیست، صحت اجاره دچار اشکال می‌شود (۷۹).

پاسخ: به لحاظ کبرای بحث، قبول داریم که در اجاره باید منفعت مقصوده عقلایی وجود داشته باشد و الا مالیت منتفی است و با فقدان مالیت، مورد از موارد معاملات عقلایی خارج می‌شود؛ اما به لحاظ صغرای بحث، اولاً؛ در مواردی که نسب شرعی منتفی است، مثلاً عنوان مادری برای زن صاحب تخمک ثابت نمی‌شود، ولی باز هم قرارداد اجاره توسط زن صاحب تخمک، با اینکه عنوان مادری برای او حاصل نمی‌شود، صحیح است، چون همین که شوهرش صاحب فرزند شود و پدر گردد، منفعت عقلایی دارد و منفعت عاید کسی شده که علاقه و ارتباط نزدیک به او دارد و گویا منفعت به خود او برگشته است و همین مقدار برای صحت اجاره کافی است. و ثانیاً؛ اگرچه انتساب شرعی منتفی است؛ اما انتساب عرفی محقق است و نسب عرفی وجود دارد و همین وجود نسب عرفی، منفعت عقلایی است که برای صحت اجاره کافی است.

اشکال چهارم: از شرایط صحت عقد اجاره این است که انجام دادن عمل مورد اجاره، صدورش از اجیر ممکن باشد و مزاحم

۵. قرارداد اجاره رحم، مشتمل بر شروط کلی عقد اجاره بوده و صحیح و نافذ می‌باشد.

۶. قرارداد خرید و فروش جنین آزمایشگاهی، به جهت فقدان شرط مالیت و ملکیت، باطل بوده و مشروع نمی‌باشد.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

References

1. The Holy Quran.
2. A Group of Authors. *Ihdāyi Gāmit Wa Janīn dar Darmāni Nābārwarī* 2nd ed, Tehran: Samt. 2006(1385). 31. [In Persian]
3. A Group of Authors. "Investigating Some Jurisprudential Opinions and Discussions, the Ruling on Buying and Selling Blood". *Journal of Ahl al-Bayt Jurisprudence*. 1996(1375). (18-17): 383-382. [In Persian]
4. Ḥillī, Ḥ. *Irshād al-Adhḥān Ilā Aḥkām al-Īmān*. Qum: Nashr Islāmī. 1989 (1410). 2: 5. [In Arabic]
5. Ḥillī, Ḥ. *Qawā'id al-Aḥkām*. Qum: Nashr Islāmī. 1992(1413). 1: 59-3:71. [In Arabic]
6. Ḥillī, Ḥ. *Tadhkirat al-Fuqahā*. Tehran: Murtaḍawīyyat. Nd. 2:565. [In Arabic]
7. Anṣārī, G. *Musū'at Aḥkām al-Aṭfāl Wa Adillātih*. Qum: 'A'imih Aṭhār. Nd. 1:110. [In Arabic]
8. Anṣārī, SM. *Makāsib*. Qum: Dār al-Zakhā'ir. 1990 (1411). 1: 23 & 24. [In Arabic]
9. Anṣārī, Z. *Kitāb al-Nikāḥ*. Qum: Shiykh A'zam Anṣārī. 1994(1415). 34 & 72. [In Arabic]
10. Asadī M, Taqawī N. *Qarārdād Injīmād Gāmit Waw Janīn*. Tehran: Majd. 2016(1395). 18 & 71-78. [In Persian]
11. Baḥrānī, Y. *al-Ḥadā'iq al-Nāzirat Fī Aḥkām al-'Itrat al-Tāhirat*. Qum: Nashr Islāmī al-Tābi'at li-Jimā'at al-Mudarrisīn Fī Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1944(1363). 24:533. [In Arabic]
12. Basarati D, Hekmatnia M. "Analysis of Jurisprudential Evidence of Parental Rights to Reproduction for Couples". *Scientific Journal of Religious Anthropology*. 2021(1400). 18 (45), 258. [In Persian]
13. Bujnūrdī, SM. *Qawā'id Fiqhīyyat*. 3rd ed. Tehran: 'Urūj. 1981(1401). 1:59. [In Arabic]
14. Dihkhudā, 'A. (1377 SH / 1998 CE). *Lughat Nāmih Dihkhudā*. 2nd ed. Tehran: Tehran University. 2:2103- 5:7154-8:12527. [In Persian]
15. Hillī, M H B. *'Iḍāḥ al-Fawā'id fī Sharḥ Mushkilat al-Qawā'id* Qum: Ismā'īlyān .1967(1387). 4:2. [In Arabic]
16. Fāḍil Hindī, M. *Kashf al-Lithām*. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1995 (1416). 1: 409. [In Arabic]
17. Fāḍil Muwaḥhid Lankarānī, M. *Tafṣīl al-Sharī'at - Ḥudūd*. Qum: Fiqh A'imih Aṭhār. 1961(1381). 17-18 & 277. [In Arabic]
18. Ghadīrī, A. *al-Qāmūs al-Jāmi' lil-Muṣṭtlaḥat al-Fiqhīyyat*. Beirut: al-Rasūl al-Akram. 1997(1418). 26. [In Arabic]
19. Ghaffārī, M. *Rawishhāyi Nuwīn Tulīd Mithl Insānī az Dīdgāh Fiqh Wa Ḥuqūq* 1st ed. Tehran: Jahād Dānishgāhī. 2001(1380). 16. [In Arabic]
20. Gulpāyigānī, MR. *Majma' al-Masā'il*. Qum: Dār al-Qur'ān al-Karīm. 2:173. [In Arabic]
21. Ḥammād, N. *Mu'jam al-Muṣṭalahāt al-Mālīyyat Wa al-Iqtisādīyyat fī Lughat al-Fuqahā*. Damascus: Dār al-Qalam. 2008(1429). 435. [In Arabic]
22. Shāhrūdī, M. (1382 AH / 1962 CE). *Farhang Fiqh Muṭābiq Madhhab Ahl Bayt*. Qom: Ahl al-Bayt. 1962(1382). 5:673- 1:474- 4:641. [In Persian]
23. 'Āmilī, SJ. *Miftāḥ al-Kirāmāt*. Qum: Nashr Islāmī. 1998 (1419). 12: 44. [In Arabic]
24. 'Āmilī, SJ. *Miftāḥ al-Kirāmāt*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. Nd. 4: 17. [In Arabic]
25. Ḥussīnī Marāghī, A. *al-'Anāwayn al-Fiqhīyyat*. Qum: al-Nashr al-Islāmī Foundation.1996(1417). 2:249. [In Arabic]
26. Ḥussīnī Nīk, A. *Qānūn Madanī*. 23rd ed. Tehran: Majd. 2017(1396). 16 & 47. [In Persian]
27. Ḥurr 'Āmilī, M. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'at Ilā Taḥṣīl Masā'il al-Shī'ih*. Qum: Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth. 1995 (1416). 2: 14. [In Arabic]
28. Qumī, M. *Man Lā Yahḍuruh al-Faqīh*. Qum: Nashr Islāmī. 1984(1363). 3:383. [In Persian]
29. Ibn Fahd Ḥillī, A. *al-Muhadhdhab al-Bāri' Fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi*. Qum: al-Nashr al-Islāmī al-Tābi'at li-Jimā'at al-Mudarrisīn Fī Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1986 (1407). 3:208 & 209. [In Arabic]
30. Irāwānī, SMB. *Durūs Tamhīdīyyat fī al-Qawā'id al-Fiqhīyyat*. Qum: Nashr Wa Tuḍf' Fiqh. 2022(1444). 1: 73 & 74. [In Arabic]
31. Jahāngīr, M. *Majmū'ih Kāmil Qawānīn Wa Muqararāt Ḥuqūqī*. 7th ed. Tehran: Durān. 2005(1384). 460. [In Persian]
32. Jahangir, M. *Qānūn Madanī*. 30th ed. Tehran: Durān. 2007(1386). 184 & 185 & 187. [In Persian]
33. Khalafī, M. "Embryo Donation in the Light of Jurisprudence and Law". *Journal of Women's Social and Cultural Council*. 2006(1385). 9 (33): 51 & 52. [In Persian]
34. Khamenei, A. *Aḥkām Pizishkī*. 1st ed. Tehran: Fiqh Rūz. 2016(1395). 34. [In Persian]

35. Khānsārī Najafī M, Anṣārī M, Nā'īnī MH. Munīyat al-Ṭālib. Tehran: Muḥammadīyyah. 1953(1373). 2:111. [In Arabic]
36. Khoei, M. al-Shurūṭ 'Aw al-Iltizāmāt al-Ṭabī'yyat fī al-'Uqūd. Beirut: al-Mu'arrikh al-'Arabī. 1993(1414). 1:147. [In Arabic]
37. Khoei, SA. Minhāj al-Ṣāliḥīn. Qum: Madīnat al-'Ilm. 1989 (1410). 2: 284. [In Arabic]
38. Khomeini, R. al-Makāsib al- Muḥarramat. Tehran: Tanzīm Wa Nashr Āthār Imām Khomeini. 1972(1392). 1:66. [In Persian]
39. Khomeini, R. Istiftā'āt. Tehran: Tanzīm Wa Nashr Āthār Imām Khomeini. 1972(1392). 7:441. [In Persian]
40. Kulayni, M. al-Kāfi: Jāmi' al-Aḥādīth. Np. Npn. Nd. 5:333. [In Arabic]
41. Makārim Shīrāzī, N. Buḥūth Fiqhīyah Qum: Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib. 2011(1380). 250. [In Arabic]
42. Murawwīj, H. Iṣṭilāḥāt Fiqhī. Qum: Bakhshāyish. 2000(1379). 44. [In Persian]
43. Mar'ī, HA. al-Qāmūs al-Fiqhī. Beirut: Dār al-Mujtabā. 1992(1413).201. [In Arabic]
44. Mu'īn, M. Farhang Fārsī. Tehran: Amīrkabūr. 2009(1388).1:1171-2:1710. [In Persian]
45. Muḥaqqiq Dāmād, SM. Qawā'id Fiqhī. Tehran: Samt. 1962(1381). 72 & 73. [In Arabic]
46. Muḥaqqiq Damad, M. "The Condition of Reproduction or Lack Thereof". *Medical Jurisprudence Quarterly*. 2019(1398). 2 (2): 11-22. [In Persian]
47. Muḥaqqiq Ḥillī, J. al-Sharā'i' al-Islām Fī Masā'il al-Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Qum: Ismā'īlīyān.1987 (1408). 2:274. [In Arabic]
48. Muḥaqqiq Karakī, 'A. Jāmi' al-Maqāṣid Fī Sharḥ al- Qawā'id. Qum: Āl al-Bayt. 1993(1414). 13: 315. [In Arabic]
49. Mu'min Qumī, M. Kalimāt Sadīdat Fī Masā'il al-Jadīdat. Qum: Nashr Islāmī. 1995(1415). 58. [In Arabic]
50. Murtaḍawī, SM. Talāqīḥ Maṣnū'ī Dar Āyīnih Fiqh. 1st ed. Qum: Būstān Kitāb. 2019(1398) .135-139 & 265-266 & 268-271 & 278-301 & 311-312. [In Persian]
51. 'Amilī, M. Nihāyat al-Marām Fī Sharḥ Mukhtaṣar Sharā'i' al-Islām. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1992(1413). 1:159. [In Arabic]
52. Bujnūrdī, M. Qawā'id Fiqhīyyat. Tehran: 'Urūj. 2000(1379). 2:471 & 472. [In Arabic]
53. Khoei AQ, Tabrīzī, J. Fiqh al- I'dhār al-Shar'īyyat Wa al-Masā'il al-Ṭibbīyyat. 1st ed. Qum: Dār al-Ṣādīqat al-Shahīdat. 2006(1427). 154. [In Arabic]
54. Sabziwārī, S'A. Muḥadhdhab al-Aḥkām Fī Bayān Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Qum: 'Abd al-'Alā Sabziwārī. 1992 (1413). 16:50 – 25:143. [In Arabic]
55. Mufīd, M. al-Muqni'at. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1989(1410). 516. [In Arabic]
56. Narāqī, A. 'Awā'id al-Ayyām. Qum: Daftar Tablīghāt Islāmī. 1996(1375). 151 & 152. [In Arabic]
57. Narāqī, M. Mashāriq al-Aḥkām. Qum: Congress Commemorating the Researchers Mulla Mahdi and Mulla Ahmad Naraqī. 2001(1380). 15 & 16. [In Arabic]
58. Niknejad, J. "The Legal Status of Conditions Regarding Reproduction or Non-Reproduction in Marriage". *Islamic Law Research Journal*. 2015(1394). (1):108. [In Persian]
59. Nūr Aḥmadī A, Tawallā'ī A, Mahdawī Kanī S. (1399 SH / 2020 CE). Janīn Āzmāyishī Bidūn Ṣāhib az Dīdgāhi Fiqhi Imāmīyyih. 1st ed. Tehran: Imam Sadiq University. 2020(1399). 64. [In Persian]
60. Nuri Hamedani, H. (1382 SH / 2003 CE) "Population Control". *Journal of Ahl al-Bayt Jurisprudence*. (3): 41-43. [In Persian]
61. Qara-Malaki AM, Mortazavi A & Amiropour H. "The Legitimacy of Obligation to Reproduce in Shia Jurisprudence". *Bi-Annual Journal of Fiqh and Foundations of Law*. 2009(1388). (1): 128-129; 131-136. [In Persian]
62. Qasemzadeh, M. "Fundamental Conditions for the Validity of Infertility Treatment Contracts Using Gametes and Embryos". *Payesh Quarterly*. 2007(1386). 6 (4): 421 & 424-425 & 429. [In Persian]
63. Rahimi H, Sadeqi MJ. "The Legal Nature of Reproduction and the Effects of Conditions and Lack of Conditions during the Marriage Contract - A Comparative Study". *Family Research Quarterly*. 2018(1397). 14 (55), 475-478 & 482. [In Persian]
64. Rahnama N, Omidi Fard A. "Foundations of Obligation to Reproduce". *Jurisprudential Research*. 11 (3): 261-262. [In Persian]
65. Riḍāniyā Mu'allim, MR. Barāwarīhāyi Pizishkī az Dīdgāhi Fiqh Wa Ḥuqūq. 1st Qum: Būstān Qum. 2004(1383). 134-138 & 302 & 362. [In Persian]
66. Rushanak Manish, M. Barrisiyi Chālishhāyi Fiqhī-Ḥuqūqīyi Dāyigī Pīsh az Tawallud dar Raḥīm Jāyguzīn. 1st ed. Tehran: Pizhwāk 'Idālat. 2021(1400). 33& 88. [In Persian]

67. Safaei, H. "Artificial Reproduction with Medical Assistance and Embryo Transfer in the Laws of Iran and France". *Journal of Faculty of Law and Political Science*. 2004(1383). (64): 87. [In Persian]
68. Najafī, M. *Jawāhir al-Kalām*. Qum: Ahl al-Bayt. 2000(1421). 15:9 & 630. [In Arabic]
69. Najafī, M. *Jawāhir al-Kalām*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. Nd. 29:6. [In Arabic]
70. Khomeini, SR. *Tahrīr al-Wasīlat*. Researched by: Aliakbar Seyfī. Qum: Nashr Wa Tanzīm Āthār Imām Khomeini. Nd. 1:631. [In Arabic]
71. Salāmī, H. *Janīn Ihdāyī (Darāmadī Tahlīlī bar Ihdāyī Janīn az Didgāh Fiqh Wa Huqūq*. 1st ed. Hamedan: Higmatānih. 2022(1401). 38-45. [In Persian]
72. Samani L, Mehrizi M, Mohsen F. "Reproduction Necessity According to the Marriage Contract Generality". *Jurisprudential Research*. 2017(1396). 13 (4): 772&771&782& 788. [In Persian]
73. Shahīd Thānī, Z. *Masālik al-Afhām*. Qum: al-Ma'ārif al-Islāmīyyat. 1993(1413). 7: 7 & 11 & 65. [In Arabic]
74. Shahīd Thānī. *al-Ruwḍat al-Bahīyyat Fī Sharḥ al-Lum'at al-Damishqīyyat*. Np. Npn. Nd.2: 68. [In Arabic]
75. Shahrakānī, I. *Mu'jam al-Muṣṭalahāt al-Fiqhīyyat*. Qum: Dhawi al-Qurbā. 2009(1430). 488. [In Arabic]
76. Shubayrī Zanjānī, M. *Kitāb Nikāḥ*. Qum: Ra'y Pardāz. Nd. 4: 1350. [in Arabic]
77. [76]; 4: 1329-1330. [In Arabic]
78. Sīstānī, A. *Minhāj al-Ṣāliḥīn*. Qum: Āyatullāh al-'Uzmā al-Sayid al-Sīstānī. 1994(1415). Vol. 3 p. 11, 314-315. [In Arabic]
79. Sīstānī, A. *al-Mas'īl al-Muntakhabat*. Qum: Āyatullāh al-'Uzmā al-Sayid al-Sīstānī. 2001(1422). 578 & 302. [In Arabic]
80. Sīstānī, MR. *Wasā'il al-Injāb al-Ṣinā'iyih, Dirāsāt Fiqhīyyat*. 2nd ed. Beirut: Dār al-Fikr. 2007(1428). 34. [In Arabic]
81. Surūr, I. *al-Mu'jam al-Shāmil lil-Muṣṭalahāt al-'Ilmīyyat Wa al-Dīnīyyat*. Beirut: Dār al-Hādī. 2008(1429). 1:44. [In Persian]
82. Ṭūsī, M. *al-Khilāf*. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1986 (1407). 4: 359. [In Arabic]
83. Yadollahi A, Asadi S. "The basic conditions of validity of surrogate mother's contract during pregnancy are in Imami jurisprudence and subject law". *Journal of medical jurisprudence*. 2013 (1391). 4 (9): 152, 157. [In Persian]